

پیامهای مشاوره‌ای حافظ

کاترین فکری^۱

چکیده

هنر ملی، قومی و اصلی ما ایرانیان شعر بوده و از میان احتمالاً حدود ده هزار شاعر در دوران بیش از هزار سال ده تن بخاطر نحوه کارشان نابغه نامیده شدند فردوسی، خیام، نظامی، سنایی، عطار، مولوی، سعدی و حافظ از آن جمله اند. در حافظ سه عنصر تشکیل دهنده نبوغ وجود دارد: عقل پخته و کامل، شور و شیدایی بسیار و سختکوشی خارق العاده. عقل او در اعتدال و انتخاب درست و دقیق راهش که شعر غنایی-تغزلی است، جلوه گر می شود. با توجه به سه عنصر فوق الذکر شباهتهای اشعار حافظ با مفاهیم مشاوره و زمینه کاربردی آن تبیین شده است.

هنر ملی، قومی و اصلی ما ایرانیان شعر بوده و از میان احتمالاً حدود ده هزار شاعر در دوران بیش از هزار سال ده تن بخاطر نحوه کارشان نابغه نامیده شدند فردوسی، خیام، نظامی، سنایی، عطار، مولوی، سعدی و حافظ از آن جمله اند.

خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی ملقب به لسان الغیب و ترجمان الاسرار در حدود ۷-۷۲۶ ه ق در شیراز به زیور هستی آراسته شد. بی پدری و در کنف حمایت مادر بودن او را به خمیرگیری و کسب معاش و سواد واداشت پس از تجربه خمیرگیری، جاذبه علوم شرعی و ادبی او را به مجالس درس علما و ادبای شیراز کشاند و به مطالعه و تفحص در مطلع الانظار قاضی بیضاوی و مفاتیح العلوم سکاکی و... واداشت تا آنجا که به مجلس درس قوام الدین ابوالبقاء، استاد قرأت سبع حاضر شد و غزلهای خود را برای او خواند شیراز در این زمان اگر چه وضع سیاسی ثابتی نداشت اما مجامع علمی و ادبی دوران خوش اتابکان سلغری را هنوز کم و بیش دارا بود و درست در چنین زمانی بود که انسانی مستعد، با حافظه ای شگفت انگیز قدم به عرصه شیراز گذاشت و بر اثر ممارست در معارف اسلامی و حفظ قرآن، آگاهی از دستگاههای موسیقی، بهرمندی از صدای خوش، شرایط اجتماعی و تاریخی قرن هشتم شیراز و پشتوانه عظیم و کوه پیکر ادب فارسی، در رأس هرم غزل فارسی قرار گرفت وی در دقایق الفاظ، انتخاب کلمات و سلامت آنها ممتاز و از جهت حقایق معانی و لطایف و تحقیقات و ذوق و شور معنوی بی نظیر است در حافظ سه عنصر تشکیل دهنده نبوغ وجود دارد عقل پخته و کامل، شور و شیدایی بسیار و سختکوشی خارق العاده عقل او در اعتدال و انتخاب درست و دقیق راهش که شعر غنایی- تغزلی است جلوه گر می شود یعنی بعید بود که اگر حافظ عارف حرفه ای و بزرگی می شد از سنایی، عطار و مولوی، اگر حماسه سرا می شد از فردوسی و اگر رباعی سرا می شد از خیام فراتر برود. لذا انتخاب درست او که غزل را برگزید از عقل نیرومند وی

حکایت دارد و پی بردنش به اینکه غزل عارفانه و عاشقانه پس از مولوی و سعدی به اوج و لذا به بن بست خود رسیده است و باید در غزل انقلاب کرد و آن را از انحصار عشق و عرفان بیرون آورد، حاکی از بهره هوشی بالا و صلابت عقلانی اوست. عنصر دوم یعنی شور زندگی و اعتقاد او به کار هنری و فرهنگی در جنب شورمندان بزرگی چون مولانا و سعدی قابل توجه است و سختکوشی که آخرین وجه از وجوه سه گانه نبوغ اوست با توجه به اینکه عمری را به درس و دراست و مطالعه و ممارست در متون نظم و نثر قدما و معاصران خود در ادب عربی و فارسی گذرانده مشخص می شود در اشعار حافظ چند نکته قابل تأمل است؛ یکی اینکه وجه شباهتی با کلام ... دارد چرا که بافت و ساخت شعر حافظ تعابیر گوناگون ایجاد می کند و راه افسانه زدن را برای هر کسی باز می گذارد مثل قرآن که ۷۲ ملت دم از آن می زنند و برای پیدا کردن راهشان از آیات الهی آن استفاده می کنند. دوم اینکه هم برای ساده ترین و کم فرهنگ ترین انسانها جاذبه دارد و هم برای پیشرفته ترین و فرهیخته ترین اذهان و نکته سوم مربوط به حضور همیشگی حافظ از قرن ۸ تا کنون است به عبارتی او همواره در اوج حیات فردی و جمعی اقوام ایرانی حضور داشته است؛ یعنی هم ذهن قدیمی او را می پسندد هم ذهن جدید و متجدد. در واقع حافظ، حافظه و ذخیره فکری و پشتوانه فرهنگی ماست. سایر هنرمندان مثل انوری، خاقانی، ظهیر و کمال الدین اسماعیل گرچه طراز اول هستند ولی همگی پدید آورنده ادبیات اند نه مفسر زندگی در حالیکه حافظ خود را از کلیشه های ادبی رها نیده و به عرصه فکر و ذهن و زندگی واقعی کشانده است جهش او از ادبیات به دامن زندگی به مرد انقلاب او در غزل ممکن شده است غزل انقلابی وی نکته گویی را از رباعی، استقلال ابیات را از مثنوی، واقع گویی و مدیحه را از قصیده و حدیث مهر و وفا و وصل و هجران را از غزل سنتی پیش از خود گرفته است. یکی از ابزار انقلاب حافظ در غزل در قافیه غزلهای اوست که دارای سه خصیصه مهم می باشد اول تکرار قافیه در غزل

برخلاف سنت چند صد ساله شعر فارسی، دوم وجود ردیف در بیش از $\frac{3}{4}$ غزلها و سوم قانون شکنیهای قافیه ای. از بدایع دیگر حافظ وارد کردن مدح در غزل است مدحی که در سنت پانصد ساله شعر فارسی و عربی پیش از او در قصیده و قطعه می آمده است او با اینکار شأن اجتماعی و سیاسی غزل را قوی تر ساخته است، در واقع حافظ برای آنکه هر چه زی ربط تر با زندگی سخن بگوید و برای آنکه همه انسانها در همه دورانها مخاطب او باشند بنای شعرش را بر مضامین و معانی مشاع و مهمی چون سخن گفتن از خدا، زیباییهای زندگی و جوانی به ویژه عشق، مکارم اخلاقی، آخرت اندیشی و اشاره به بی اعتباری عمر و اغتنام فرصت و... بنا نهاده است لذا اشعارش می تواند در امر مشاوره کاربرد فراوانی داشته باشد، چراکه یک مشاور هم همواره با زندگی انسانها و مسائل مربوط به آن روبروست و چنانچه کلامش را با اشعار حافظ که در عمق و جان تک تک ایرانیها ریشه دوانیده است زینت بخشد تاثیر حجتش را دو چندان خواهد کرد. در ادامه این بحث به بررسی کاربرد مشاوره ای چند نمونه از اشعار حافظ می پردازیم.

بیت یا ابیات مورد نظر	شباهت با مفاهیم مشاوره	کاربرد
آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرفست با دوستان مروت با دشمنان مدارا	قضیه شیوه زندگی در نظریه آدلر، ارتباط با دیگران در نظریه وجود گرایان و جنبه اجتماعی شخصیت	برای مراجعانیکه در ارتباطات بین فردی خود مشکل دارند دوستی ندارند و از این مساله احساس تنهایی و ناراحتی می کنند همچنین برای افرادی که غرورشان مانع از شکل گیری روابط مطلوب بین آنها و دیگران می شود.
غرور حسنت اجازت مگر ندادی ای گل که پرسشی نکنی عندلیب شیدا را به خلق و لطف توان کرد صید اهل نظر به بند و دام نگیرند مرغ دانا را میان عاشق و معشوق هیچ حایل نیست تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز	در نظریه الیس (شیوه زندگی مهمترین عاملی است که انسان زندگیش را بر اساس آن تنظیم می کند و حرکتش را در جهان و زندگی مشخص می کند و هدف مشاوره تغییر رفتار در داخل شیوه زندگی است.	
(معنی: میان عاشق و معشوق ابداً پرده ای وجود ندارد اگر چیزی هست منیت و غرور است که باید ترک کنی تا به مقصود برسی)	انسان موجودی اجتماعی است و باید در اجتماع مطابق انتظارات خود و دیگران رفتار کند و بیش از حد خود مدار و خود بین نباشد.	

کاربرد	شباهت با مفاهیم مشاوره	بیت یا ابیات مورد نظر
برای مراجعانیکه بیش از حد به دنبال مسائل مالی هستند و این سایر مسائل زندگی‌شان را تحت پوشش قرار داده و مشکلاتی برایشان بوجود آورده	قضیه مرگ در نظریه وجودگرایان (وقوف بر مرگ با اینکه ترس آور است ولی می تواند زمینه ساز یک زندگی خلاق بشود)	هر که را خوابگه آخر مشتی خاک است گوی چه حاجت که به افلاک کثی ایوان را
برای مراجعانیکه از غمهای زندگی بیش از حد شکایت دارند و دائماً خود را با دیگران و زندگی خوب آنها مقایسه می کنند.	رنج در نظریه وجودگرایان (انگیزه اصلی و هدف زندگی گریز از درد و لذت بردن نیست بلکه معنی جویی زندگی است که به زندگی مفهوم واقعی می بخشد بهمین دلیل انسانها درد و رنجی را که معنی و هدفی دارد با میل تحمل می کنند)	حافظا از باد خزان در چمن دهر مرنج فکر معقول بفرما گل بی خار کجاست (معنی: همانطور که گل بدون خار وجود ندارد شادی بدون غم هم وجود ندارد)
برای مراجعانیکه بیش از حد خود را موظف به مراقبت از دیگران و اصلاح آنها می دانند و این روابطشان را خراب کرده است	بحث مسئول بودن انسان در نظریه گلاسر، را جزر، پزر و مسئولیت اعمال و رفتار فرد به عهده خودش می باشد	عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت که گناه دگران بر تو نخواهد نوشت من اگر نیکم و گر بد تو برو خود را باش هرکسی آن درود عاقبت کار که کشت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کاربرد	شباهت با مفاهیم مشاوره	بیت یا ابیات مورد نظر
<p>۱- برای مشاوران که به زبان غیر کلامی مراجع توجه کنند</p> <p>۲- برای مراجعانی که از عدم ابراز محبت یا ندامت اطرافیان در مسائل مختلف ناراحت هستند</p>	<p>بحث ارتباط کلامی و غیر کلامی که در جلسه مشاوره سوز درون هرکس از سوز کلامش یا نوع حرکاتش مشخص می شود و لازم نیست حتماً دردش را به زبان بیاورد</p>	<p>بیان شوق چه حاجت که سوز آتش دل توان شناخت ز سوزی که در سخن باشد</p>
<p>برای افرادی که جهت شروع کار اعتماد به نفس کافی ندارند و از مشکلات راه بیمناک هستند و می گویند ما از عهده اینکار بر نمی آئیم</p>	<p>بحث اراده انسان در نظریه آدلر، را جزر الیس (انسان درمقام موجودی انتخابگر هم می تواند محیط درونی هم بیرونیش را شکل دهد گرچه او کاملاً بر سرنوشت خود مسلط نیست در عین حال می تواند موقعیتی را انتخاب کند که با وضعیت سازگار باشد</p>	<p>ز مشکلات طریقت عنان متاب ای دل که مرد راه نیندیشد از نشیب و فراز</p>

چند نمونه دیگر از اشعار حافظ که می توان برای به فکر و داشتن مراجع

در اتاق انتظار کلینیک مشاوره از آنها سود جست

۱- بملازمان سلطان که رساند این دعا را

که به شکر پادشاهی ز نظر مران گدا را

۲- صبر کن حافظ به سختی روز و شب

عاقبت روزی بیایی کام را

۳- کاروانی که بود بدرقه اش لطف خدا

بتجمل بنشیند به جلالت برود

۴- دست از طلب ندارم تا کام من برآید

یا تن رسد به جانان یا جان ز تن درآید

- ۵- پنجروزی که در این مرحله فرصت داری
خوش بیا سای زمانی که زمان این همه نیست
- ۶- درخت دوستی بنشان که کام دل بیار آرد
نهال دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد
- ۷- بیا تا حال یکدیگر بدانیم
مرادهم بجوئیم ار توانیم
- ۸- مکن حافظ از جور دوران شکایت
چه دانی تو ای بنده کار خدایی
- ۹- وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی
حاصل از حیات ای جان این دمست تا دانی
- ۱۰- تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافر نیست
راهرو گرسد هنر دارد توکل بایدهش
- ۱۱- دایم گل این بستان شاداب نمی ماند
دریاب ضعیفان را در وقت توانایی
- ۱۲- باغبان گر پنج روزی صحبت گل بایدهش
بر جفای خار هجران صبر بلبل بایدهش
- ای دل اندر بند زلفش از پریشانی منال
مرغ زیرک چون بدام افتد تحمل بایدهش
- ۱۳- تا کی غم دنیای دنی ایدل دانایان
خیفست ز خوبی که شود عاشق زشتی
- ۱۴- هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما
- ۱۵- بلا گردان جان و تن و دعای مستمندانست
که بیند خیر از آن خرمن که ننگ از خوشه چین دارد

کتابنامه

- ۱- انقلاب حافظ در غزل (۱۳۷۷، ۱۲ خرداد). اطلاعات.
- ۲- پایمرد، منصور (۱۳۸۰). بحثی در سلوک باطنی خواجه حافظ. نشریه نشر دانش.
- ۳- ذوالنور، رحیم (۱۳۸۱). در جستجوی حافظ (توضیح، تفسیر و تاویل غزلیات، قصاید و.....). تهران: نشر زوار.
- ۴- شارف، ریچارداس (۱۳۸۱). نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- ۵- شفیق آبادی، عبدا... و ناصری، غلامرضا (۱۳۸۰). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۶- فرانکل، ویکتور (۱۳۷۷). انسان در جستجوی معنا. ترجمه مهین میلانی. تهران: انتشارات درسا.
- ۷- عربی نژاد، غلامرضا (۱۳۷۸، ۱۶ خرداد). تأملی بر سبک شعر حافظ شیرازی. اطلاعات.
- ۸- عطاری کرمانی، عباس (۱۳۸۰). دیوان کامل حافظ با تفأل آفرینش (مقدمه، تصحیح و شرح تفأل). تهران: نشر آفرینش.